

## با خانواده خود چند چندیم؟

۵۰۴

کیفیت ارتباط دانشجوها  
با خانواده هایشان چطور است؟

### ساده نباشیم

چگونه بفهمیم فردی که از ما کمک می‌خواهد، راست می‌گوید؟

### مقصد نهایی

عاقبت زباله‌های تهران به کجا ختم می‌شود؟

### پای کار کشور ایستاده‌ایم

قصه‌ای شنیدنی از مرکز توسعه خودکفایی شریف

۲

۳

۶

### اشک‌ریزان هوس دامن مادر کردم

طعم دوری از والدینم مرادر برابر شکاف نسلی که دوستانم از آن گله دارند، شکیباتر کرده است. آموخته‌ام که باید برای توضیح دادن شرایطم به آنها وقت بگذارم تا برای کم کردن نگرانی‌هایشان به کنترلم متوسل نشوند. برای شنیدن توصیه‌هایشان صبری می‌کنم و سعی می‌کنم تا حد امکان به آنها عمل کنم چون به دلسوزترین بودنشان ایمان آورده‌ام. به عنوان بهترین تشکر بابت تلاش‌هایی که برایم کرده‌اند، با تمام وجود و توان «زندگی» می‌کنم.

خریده‌اند تا در شریف درس بخوانم، تارشد کنم. چگونه به آنها بگویم سختی دوری‌شان دیگر غیر قابل تحمل شده است؟ گاهی اینجا خیلی احساس تنهایی می‌کنم. اوایل گمان می‌کردم دوستان زیادی دارم اما به مرور فهمیدم که دوستی و محبت هیچ کسی مثل مادر و پدرم خالص و بی چشم‌داشت نیست. بالاخره دوستانم اولویت‌های زندگی خودشان را داشتند. حالا که دور از آنها به رفتارشان دقت می‌کنم راه و روشی نمانده که با آن، عشقشان را به من اثبات نکرده باشند. چشیدن

فکر می‌کنم واقعا دیگر حرف مرانمی‌فهمند. قبلا این شرایط را چطور تحمل می‌کردم؟ تنها امیدم این است که به زودی اپلائی خواهم کرد. از قدیم گفته‌اند دوری و دوستی. بارفتمن هم من از کنترل و توصیه‌های بیست و چهارساعته آنها راحت می‌شوم هم آنها از دست من! **پرده دوم:** باز هم با بغض تلفن را قطع کردم. مدام می‌پرسند به خودت می‌رسی؟ سریع تر تلفن را قطع می‌کنند تا به درسم برسیم با اینکه مشخص است دوست دارند هنوز با هم صحبت کنیم. رنج دوری ام را به جان

**پرده اول:** سدر اهرم شده‌اند. تا قبل از شروع دانشگاه این قدر مشکل نبود ولی حالا واقعا ملال آور شده است. دست و پایم را مدام می‌بندند. احساساتم را نمی‌فهمند، سنتی فکر می‌کنند. کاش مثل من که در جلسات فکری دانشگاه تعصب و دیدگاه‌های سنتی را کنار گذاشته‌ام، روشنفکر می‌شدند تا این طور با من رفتار نکنند. انگار نه انگار من نخیه این مملکت. من در دانشگاه فعال فرهنگی هستم. از این ترم دبیر گروه‌مان هم شده‌ام. گاهی

سرمقاله

فاطمه  
یزدی‌زاده



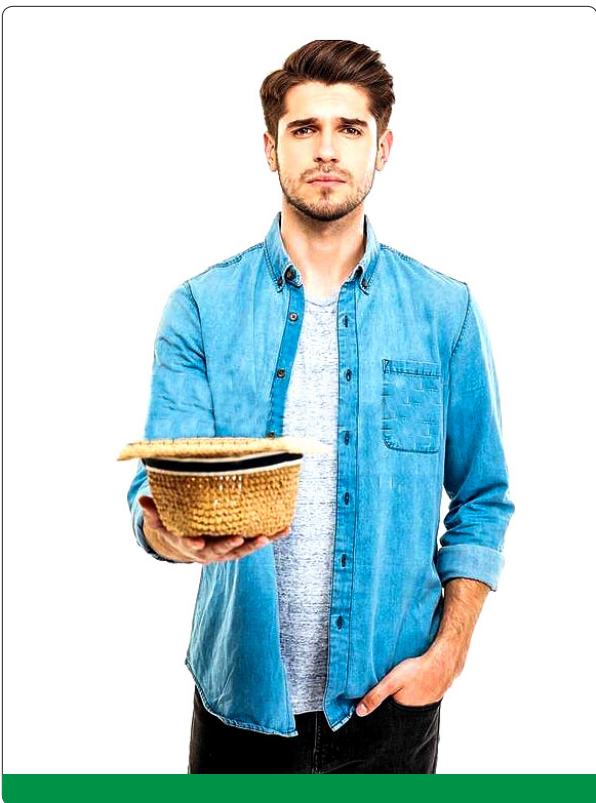
## چارچوب‌های اردوی ورودی‌های ۹۸

ارائه گردید. «همچنین در این جلسه مقرر شد چند نفر به عنوان مسئول اجرایی اردو پیشنهاد شوند و از جانب کمیته سه نفره‌ای متشکل از رئیس دفتر نهاد رهبری در دانشگاه، نماینده رئیس دانشگاه و معاون فرهنگی انتخاب شود. دکتر حسینی یادآور شد: «امسال نیز اردوی ورودی‌ها در شهر مقدس مشهد برگزار می‌شود. مشاوره آموزشی، دانشجویی و روان‌شناختی ما پررنگ‌تر از قبل خواهد بود و از افرادی که بتوانند آموزش‌های اولیه مناسبی را در خصوص برخورد با یک محیط جدید به دانشجویان ارائه دهند استفاده خواهد شد.»

جلسه‌نهایی شورای فرهنگی دانشگاه به منظور تصمیم‌گیری در خصوص آیین استقبال از ورودی‌های جدید سال ۹۸، روز شنبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه برگزار شد. در این جلسه و پس از بررسی‌های فراوان یک طرح از میان پنج طرح ارسال شده، با رای اعضای شورا به عنوان طرح منتخب معرفی شد؛ طرحی که به نام سمیه رسولی، دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه علم به دانشگاه ارائه شده بود. دکتر حسینی در این باره گفته است: «مقرر گردید تا فراخوانی برای ارائه طرح‌های پیشنهادی افراد و گروه‌های مختلف دانشگاه ترتیب داده شود که در نهایت ۵ طرح به شورای فرهنگی دانشگاه

## چگونه بفهمیم فردی که از ما کمک می‌خواهد، راست می‌گوید؟

# ساده نباشیم



### گزارش

علی صالحی

«شیشه ماشینم شکسته، زن و بچه‌ام تو ماشین موندن، نامردا همه چیزم رو از تو ماشین بردن؛ کیف پولم، دسته چکم، همه رو بردن. به هرکی رو می‌ندازم، جوابم رو نمی‌ده. حتی به مغازه‌دارهای چهارراه قاسمی گفتم کارت ملی می‌دارم یا حتی طلاگرو می‌دم که فقط ده تومن به من بدن تا حداقل بتونم زن و بچه‌ام رو برسونم خونه. الان لنگ چند لیتر بنزین موندم وسط خیابون. هیچ‌کسی کمکم نمی‌کنه. یه عمر با آبرو زندگی کردم ولی الان به شدت نیاز دارم.»

احتمالا این حرف‌ها برای عده‌ای از بچه‌های دانشگاه و یا حتی شما آشنا باشد. ماجرا از این قرار است که مدتی پیش فردی قدبلند و لاغر با همین عبارات سراغ من آمد و از من درخواست پول کرد. مدتی گذشت تا اینکه یکی از بچه‌های دانشگاه در توئیتر خود نوشت فردی با همین ویژگی دوبار به سراغ او آمده و با اجرای یک نقش تکراری کمک خواسته است. اینجا بود که ماجرا مشکوک شد. وقتی این اتفاق را در چندگروه تلگرامی دانشگاه به اشتراک گذاشتم، معلوم شد که برای تعداد قابل توجهی از بچه‌ها همین ماجرا پیش آمده است. از این گذشته چند نفر از بچه‌ها گفتند که یک زوج به بهانه اینکه شهرستانی هستند و دزد دار و ندارشان را برده و حالا توانایی تهیه بلیت برگشت را ندارند، پول خواسته‌اند و چند حکایت مشابه دیگر... واضح است که این افراد با این کار خود عملاً مردم را فریب می‌دهند اما ضربه سنگین دیگری را هم وارد می‌کنند. با تکرار این حرکات به مرور روحیه بخشندگی و کمک به یکدیگر در جامعه کشته می‌شود و هیچ‌کس حاضر

نخواهد شد در این شرایط به غریبه‌ای کمک کند ولی می‌شود تحت شرایطی هم جلوی افراد سودجو را گرفت و هم اگر فردی واقعا نیازمند بود، به او کمک کرد. خب راهکار چیست؟ بهترین راهکار در مواجهه این است که اگر فردی با ادعاهای این چنینی به سراغ شما آمد و اگر خواستید کمک کنید، در صورت امکان دقیقاً همان چیزی را که به بهانه آن از شما پول می‌خواهد برایش فراهم کنید؛ مثلاً اگر گفت امکان تهیه دارو ندارد، بگویید که

می‌توانید داروهایش را برایش تهیه کنید و اگر مخالفت کرد، می‌توان با احتمال قوی گفت که نیازمند واقعی نیست. در مورد فرد ابتدای متن هم یکی از بچه‌ها گفت که وقتی به او گفتم بگذار ماجرای شکسته شدن شیشه ماشین را با پلیس در میان بگذاریم فرار کرد. اگر اتفاق مشابهی برای شما هم پیش آمده، لطفاً ماجرا و مشخصات شخص را با روزنامه به اشتراک بگذارید تا در صورت امکان از سوی نهادهای مربوط با این افراد برخورد شود.

### هنرمندی از جهان شناور

کتابی دیگر از ایشی گورو، با سبک خاص خودش: «در طول این سال‌ها نکات زیادی آموخته‌ام. از تفکر درباره جهان عیش و تشخیص زیبایی شکننده آن بسیار آموخته‌ام. اما حالا احساس می‌کنم وقتش رسیده که به مسائل دیگر بپردازم. لازم نیست همیشه هنرمندان جهانی منحط و بسته را اشغال کنند. ضمیر من، سنسبه به من می‌گوید که نمی‌توانم برای ابد هنرمندی از جهان شناور باقی بمانم...» کتاب را نشر افراز با ترجمه یاسین محمدی چاپ کرده است.

### ندای کوهستان

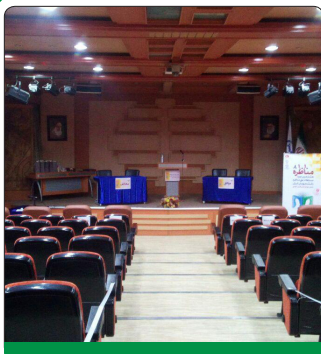
کتابی دیگر از نویسنده «یادبادکباز»، داستان این کتاب در ۱۹۵۲ در دهکده‌ای در افغانستان شروع می‌شود؛ عبدالله پسری ۱۰ ساله است که پدرش تصمیم دارد «پری»، خواهر سه ساله‌اش را به خانواده‌ای بی‌فرزند بفروشد و این جدایی برای عبدالله به شدت دردناک است....

### عذاب وجدان

عذاب وجدان در نگاه اول شاید یک داستان پیش پا افتاده و معمولی به نظر برسد، شبیه یکی از همین داستان‌های مثلث‌های عاشقانه و عشق‌های نافرجام اما این طور نیست. آلبادسس پدس، نویسنده ایتالیایی کتاب روایت داستان را بر پایه نامه‌هایی گذاشته که دو دوست با هم در مدت زمانی طولانی رد و بدل می‌کرده‌اند و در میان آنها به یادداشت‌های یک خبرنگار گمنام یک روزنامه پرتیراژ هم سرک کشیده است. همین عامل و قدرت نویسنده در پرداخت شخصیت‌های اصلی و فرعی داستان و مرتبط کردن آنها با هم باعث جذابیت کتاب شده که به رغم حجم زیادش خواننده را پس نمی‌زند. این کتاب را بهمن فرزانه به فارسی برگردانده و انتشارات ققنوس آن را روانه بازار نشر کرده است.

## رتبه خوب عمران

دانشکده عمران در رتبه‌بندی QS ۲۰۱۹ با رتبه جهانی ۱۷۰ و آسیایی ۵۱، بهترین دانشکده دانشگاه صنعتی شریف شد. این اولین سالی است که دانشکده عمران شریف در این رتبه‌بندی حضور پیدا می‌کند و دانشکده‌های عمران دانشگاه‌های دیگر کشور در آن اصلاً ارزیابی نشده‌اند. شریف در QS ۲۰۱۹ در رتبه ۴۳۲ جهان و اول کشور قرار دارد و امیرکبیر با رتبه ۴۹۸ و علم و صنعت با رتبه بین ۶۰۱ تا ۶۵۰ و دانشگاه تهران با رتبه ۷۰۱ تا ۷۵۰ شریف را دنبال می‌کنند. جای بسیاری از رشته‌ها چون مهندسی شیمی، هوافضا، مدیریت و اقتصاد، فلسفه علم و... در این رتبه‌بندی خالی است.



## مناظره داغ، این بار دانشجویی

قطار هشتمین دوره مسابقات ملی مناظره دانشجویان ایران در مرحله دانشگاهی به ایستگاه پایانی رسید. این مسابقات که در سه مرحله دانشگاهی، منطقه‌ای و کشوری با حضور بیش از ۶۰۰ تیم دانشجویی از سراسر دانشگاه‌های کشور، در حال برگزاری است، در مرحله دانشگاهی با حضور ۸ تیم ۴ نفره در دانشگاه شریف آغاز شد. مسابقه نهایی بین دو تیم «داد» و «شریف‌دخت» بر سر این گزاره برگزار می‌شود که «آیا ارتباط مستقیم نهاد روحانیت با سیاست باعث ایجاد فاصله میان مردم و روحانیت می‌شود؟». امروز ساعت ۹، آمفی تئاتر سازمان جهاد دانشگاهی صنعتی شریف میزبان این مسابقه خواهد بود.

### پیامبر (ص) و ظرفیت جاهلیت

از دوره پیش از اسلام که از آن با نام «جاهلیت» یاد می‌شود، کمتر سخن به میان می‌آید. در آن دوران فساد اخلاقی و جنسی در مکه به‌صورت جدی رواج داده می‌شد و قمار خانه‌ها و شراب‌خانه‌های بسیاری تاسیس شده بود، بالای در منزل زنان روسپی پر چمی در نقش تابلو نصب می‌کردند. علت اینگونه رفتار را باید در رونق گردشگری و تجارت مکه جست‌وجو کرد.
ربا به‌عنوان مهمترین عامل جذب سرمایه در مکه شناخته می‌شد و با اینکه تمدن و شهرنشینی به معنای امروزی در مکه وجود نداشت، مناسبات و قوانین بسیار قوی در شهر حاکم بود که همه‌چیز را بر اساس رونق تجاری پی جویی می‌کرد.
چنین جامعه‌ای در دوران معاصر به‌هیچ‌وجه، وحشی و بدوی خوانده نمی‌شود، بلکه آن را دارای مدنیت مبتنی بر توسعه گردشگری می‌دانند.
مناسبات قبیله‌ای مهم‌ترین ساختار اجتماعی و سیاسی در میان عرب جاهلی بود که پیامبر (ص) از آن بهره‌ها می‌برد.
در فرهنگ قبیله‌گی «وابط خویشاوندی» کانون توجه ارزش‌ها بود و وحدت و بقای قبیله والا‌ترین خیر به حساب می‌آمد.
اعضای بالغ ذ‌کور قبیله در مسئولیت حقوقی سهیم بودند و مسئول جرایم یکدیگر می‌شدند.
این موضوع بزرگ‌ترین ظرفیت جامعه حجاز برای موفقیت پیامبر (ص) بود؛ زیرا او خود را تحت حمایت قبایلی قرار داد که مومن و کافر آنها به شکل یکسان از او حمایت می‌کردند.
برای نمونه ابولهب به‌عنوان دشمن ترین بت‌پرست مکه که از او در قرآن سخن به میان آمده است، چند باری بر اساس مناسبات قبیله‌ای از ابوطالب و پیامبر (ص) حمایت کرده است.
یک بار قریشیان به دلیل حمایت ابوطالب از یکی از مسلمانان به او اعتراض کردند، ابولهب ضمن حمایت از رفتار برادرش ابوطالب، تهدید کرد که با او همراه خواهد شد.
این رفتار ابوطالب را خوشحال کرد و کوشید با اشعاری، او را وادار به حمایت از اسلام کند که بی‌نتیجه ماند.
بار دیگر سران مشرکین تصمیم به قتل پیامبر (ص) گرفتند، اما از ترس مخالفت ابولهب، به او اطلاع ندادند.
ابوطالب، علی (ع) را نزد ابولهب فرستاد و نقشه را به او اطلاع داد.
ابولهب با عصبانیت نزد سران مشرکین رفت و آنان را از اجرای نقشه قتل نهی کرد و به لات و عزی سوگند یاد کرد که مسلمان خواهد شد، در نتیجه سران مشرکین از او عذر خواستند و از این کار منصرف شدند.



#### تفکیک در مقصد

وارد بخش پردازش می‌شویم؛ دوسوله بزرگ با ۴ خط انتقال ۲۵۰ تنی که مشخص می‌کند هر زباله چه سرنوشتی دارد. تراکتورسازی تبریز و سازمان مدیریت پسماند این خطوط را ساخته‌اند. کامیون‌ها شبانه‌بار خود را در واحد پردازش خالی می‌کنند و با آغاز روز بولدوزرها شروع به کار کرده و زباله‌ها را روی تسمه نقاله‌ها می‌ریزند و فرایند تفکیک به صورت مکانیکی (آهنربا، الک و...) و به صورت دستی با حضور کارگرانی که اطراف هر خط حضور دارند، انجام می‌شود. زباله‌های خشک مثل کاغذ، مقوا، شیشه و فلزات برای بازیافت فرستاده می‌شود، پسماندهای تر برای کمپوست و تولید کود کشاورزی جدا شده و پسماندهایی مثل نایلون‌ها و پلاستیک‌هایی که آلودگی زیادی همراه دارند و فرایند جداسازی و شست‌وشو و بازیافت آنها سخت و بدون صرفه اقتصادی است، تحت عنوان ریجکت دفن یا سوزانده می‌شود.
کیامرادی تأکید زیادی بر کاهش مصرف نایلون‌های پلاستیکی برای کاهش حجم زباله‌های ریجکتی دارد.

#### باکتری‌ها دست به کار می‌شوند

پسماندهای تر جدا شده در واحد پردازش به دو سایت هوادهی و تولید کمپوست به مساحت‌های ۱۸ و ۲۲ هکتار انتقال داده می‌شود. در این دو سایت پسماندها به مدت چندماه روی هم انباشته شده و با استفاده از ماشین‌های مخصوص فرایند هوادهی و جابه‌جایی آنها صورت می‌گیرد. البته به دلیل کمبود این ماشین‌ها قسمتی از فرایند تولید کمپوست در عمل به صورت بی‌هوای انجام شده که بوی بد سایت را به دنبال دارد. بعد از تولید کمپوست اولیه مواد شیمیایی مناسب به آنها افزوده شده و به عنوان کود کشاورزی برای فضای سبز پارک‌ها و حاشیه بزرگراه‌های شهر تهران استفاده می‌شود. آزمایشگاه آرادکوه نیز وظیفه نمونه‌برداری از پسماندهای تر انباشت‌شده را بر عهده دارد. با اندازه‌گیری دما و ترکیب شیمیایی در نقاط مختلف سایت و در مقطع‌های گوناگون از پسماندهای انباشت‌شده اطلاعات لازم برای تعیین زمان مناسب برای هوادهی و انتقال مشخص می‌شود.

#### و سرانجام زباله‌هایی که می‌سوزند

کوره زباله‌سوزی آرادکوه ظرفیت سوزاندن ۲۰۰ تن زباله را در روز دارد و توربین آن ۳۰۰ مگاوات برق تولید می‌کند که بخشی از آن نیاز مجموعه را تأمین کرده و باقی آن به شبکه برق منتقل می‌شود. گاز ناشی از سوختن پسماندهای ریجکت بعد از خنک شدن از دو مرحله فیلتر عبور می‌کند و بعد وارد محیط می‌شود. خاکستر حاصل از فیلتر دوم که ذرات فلزهای سنگین را در خود دارد، باید با رعایت مسائل بهداشتی همراه با زباله‌های بیمارستانی دفع شود.

## عاقبت زباله‌های تهران به کجا ختم می‌شود؟

# مقصد نهایی

چهارشنبه، ۴ اردیبهشت؛ ساعت ۸:۳۰

صبح. ترک عادت کرده‌ام و صبح زود بهاری خودم را دوان دوان از خوابگاه به دانشگاه رسانده‌ام. انتظار دیدن یک اتوبوس یا حداقل مینی‌بوس را دارم ولی جلوی سردر دانشگاه یک هایلوکس با آرم سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران پارک شده. مسئول گروه دوست‌داران محیط زیست دانشگاه را که کنارش می‌بینیم، مطمئن می‌شوم همین ماشین قرار است ما را به آرادکوه ببرد؛ جایی که می‌گویند همه زباله‌های شهر تهران راهی آنجای می‌شوند و حرف و شایعه پشت سرش زیاد است، از بوی بد جاده فرودگاه امام تا ادعاهایی که مردم شهرهای اطرافش درباره تأثیر آن بر کیفیت آب آشامیدنی خود دارند.

سوار هایلوکس می‌شوم. غیر از من ۱۰ دانشجوی دیگر هم هستند که از روی دغدغه یا کنجکاوی آخر هفته اردیبهشتی‌شان را به بازدید از آرادکوه اختصاص داده‌اند. در مسیری که تا آرادکوه داریم، بین بچه‌ها بحث‌های مختلفی شکل می‌گیرد؛ دو نفر صحبت‌شان درباره اپلای به کانادا برای تحصیل و کار است و یک گروه سه‌نفره هم خاطرات مسافرت نوروزی‌شان را مرور می‌کنند. پس از حدود ۴۵ دقیقه به مجتمع پردازش و بازیافت زباله آرادکوه می‌رسیم؛ مجمتعی به مساحت ۱۴۰۰ هکتار که در ابتدای جاده قدیم تهران - قم واقع شده است.

#### هوشمندی در دهه ۴۰

وارد مجتمع می‌شویم. ورودی‌اش بیشتر شبیه یک پارک بزرگ است و چند ساختمان اداری هم در میان فضا‌های سبزش دیده می‌شود. در کنار یکی از ساختمان‌ها ماشین توقف می‌کند تا مهندس مرادی کیا به ما ملحق شود. مهندس بعد از خوش‌آمدگویی سوار ماشین شده و راننده را به قسمت‌های مختلف مجتمع هدایت می‌کند. در راه مرادی کیا از تاریخچه آرادکوه می‌گوید؛ پیمانکاران خارجی در دهه ۴۰ کار مکان‌یابی مجتمع را آغاز کرده و علی‌رغم در دسترس نبودن ابزارهای امروزی محلی مناسب برای جمع‌آوری زباله‌های شهر تهران انتخاب می‌کنند. نزدیک بودن به جاده قدیم تهران - قم، آب و هوای خشک، پایین بودن سطح آب‌های زیرزمینی، وضعیت توپوگرافی مناسب با توجه به پایین‌تر بودن این محل نسبت به مناطق اطراف و جهت مناسب باد‌های منطقه از جمله ویژگی‌های مناسب آرادکوه بوده که آثار منفی محیط زیستی آن را کاهش می‌دهد. مرادی کیا همچنین شایعات پیرامون آرادکوه مثل نسبت دادن بوی بد جاده فرودگاه امام خمینی به این مجتمع را رد می‌کند و آن را به پسماندهای صنعتی کارخانه‌های آن منطقه مربوط می‌داند.

#### همه چیز تحت کنترل

قسمت اول مجموعه بخش توزین است. تمام زباله‌های شهر تهران و شهرهای اطراف از جمله پسماندهای شهری، بیمارستانی و حتی عمرانی به آرادکوه می‌آید. زباله‌های شهر پس از تجمیع در مخزن‌های ۱۱۰۰ لیتری شهری به وسیله کامیون‌های دو تا هفت تنی به ایستگاه‌های میانی منتقل و از آنجا با کامیون‌های ۲۰ تا ۳۰ تنی راهی آرادکوه می‌شود. این کامیون‌ها در ایستگاه‌های میانی وزن شده و پس از ورود به مجتمع نیز در همان ابتدا وارد قسمت توزین می‌شوند. اطلاعات مختلف هر کامیونی که به آرادکوه می‌آید، در سیستم ثبت می‌شود؛ وزن، پلاک، منطقه‌ای که از آن آمده و نوع پسماند. با توجه به این اطلاعات کامیون به‌بخش مناسب راهنمایی می‌شود. ثبت اطلاعات کامیون‌ها مزایای زیادی دارد؛ بانک داده‌هایی که از این راه به دست می‌آید، مشخص می‌کند در روزهای مختلف سال و از مناطق مختلف شهری تهران چه مقدار و چه نوع پسماندهایی جمع می‌شود. این اطلاعات می‌تواند روندهایی را مشخص کند که به برنامه‌ریزی بهتر و ایجاد آمادگی لازم در مجموعه کمک نماید. همچنین از آنجا که پسماند خشک ارزشمند است و امکان دزدی از آن در مسیر وجود دارد، ثبت وزن کامیون‌ها در ایستگاه‌های

## کیفیت ارتباط دانشجویها با خانواده هایشان چطور است؟ با خانواده خود چند چندیم؟

وقتی صفحه مرورگر را باز می‌کنم تا عبارت ارتباط با خانواده را بنویسم، ترکیب پیشنهادی‌اش ارتباط با خانواده همسر است. جالب اینکه او هم می‌داند اولویت ارتباط با افرادی است که بعداً به زندگی ما افزوده می‌شوند و شاید کمتر به این فکر کنیم که ابتدا باید ارتباطمان با عزیزان خودمان خوب باشد و در قدم دوم با بقیه. هفته گذشته نظرسنجی با عنوان «با خانواده خود چند چندید؟» در کانال روزنامه منتشر شد. هدف این نظرسنجی پایش روابط دانشجویان شریفی با خانواده‌هایشان بود. حدود ۵۰۰ نفر در این نظرسنجی شرکت کردند؛ ۵۵٪ پسر و ۴۵٪ دختر. شرکت‌کنندگان در نظرسنجی عموماً ورودی ۹۲ به بعد هستند و حدوداً نیمی از این تعداد غیرخوابگاهی و تنها ۳۵ نفرشان متأهل هستند.

خانواده با محیط آموزشی تقریباً قطع می‌شود و هم مقیاس دانشگاه و تعداد و نوع افراد می‌شود که یک دانشجوی آنها در تعامل است، با مدرسه قابل قیاس نیست. نتیجه پرسشی که در این باره از دانشجویان شده است، نشان می‌دهد که ۴۸٪ افراد معتقدند ورودشان به دانشگاه هیچ تأثیری در روابطشان با خانواده نداشته، ۳۰٪ دانشگاه را باعث بهتر شدن رابطه‌شان می‌دانند و بقیه می‌گویند با ورود به دانشگاه رابطه‌شان بدتر شده است.

### محل نزاع

بیشترین زمینه‌ای که افراد با خانواده‌هایشان در رابطه با آن دچار چالش هستند مربوط به مسائل عاطفی و ضعف در تصمیم‌گیری است. پس از آن ازدواج و مسائل مذهبی قرار دارد. می‌توان از دو منظر به این موضوع نگاه کرد. عدم استقلال و ضعف در تصمیم‌گیری می‌تواند ناشی از این باشد که خانواده به حاصل تربیت خود اطمینان لازم را ندارد و اجازه تصمیم‌گیری به او نمی‌دهد و یا فرزند نظرات والدین را نمی‌پذیرد و قبول ندارد و خانواده ناچار به اعمال چنین فیلتری شده‌اند. به هر حال این میزان از نارضایتی جای فکر دارد.

صحبت در مورد خواسته‌های عاطفی و احساسات از نیازهای اصلی دوران جوانی است. ۴۴٪ دانشجویان اصلاً نمی‌توانند در این موارد با خانواده‌شان صحبت کنند و از بین افرادی که این‌گونه مسائل را با خانواده در میان می‌گذارند، مادرها محل مراجعه هستند و بعد از مادر، خواهرها هستند که در این موارد گوش شنوا دارند. البته اغلب دخترها با خواهرانشان و پسرها با برادرشان در میان می‌گذارند ولی هر دو جنس در میزان ابراز عواطفشان با مادر یکسان هستند. و اما آنچه در شنیدن چنین مسائلی مهم است، واکنش طرف مقابل است که می‌تواند باعث تداوم یا عدم تداوم این رفتار شود. همراهی و همدلی بیشترین واکنشی است که افراد از خانواده‌شان می‌بینند و پس از آن نصیحت رتبه بالایی دارد. سرزنش و شنیدن محض هم در رده‌های بعدی قرار دارند.

و اما در آخر از افراد پرسیده شده که آیا مایلند در آینده پدر یا مادر شوند؟ یک پنجم آنها چنین تمایلی نداشتند؛ شاید از دست پدر و مادر خود شاکمی هستند و نمی‌خواهند فرزندی ناراضی تحویل جامعه بدهند، شاید هم این توانایی را در خود نمی‌بینند و شاید نمونه‌های حاضر را موفق نمی‌دانند! و شاید هم دلیل‌های دیگری دارند.

جوانان از والدینشان است. در نظرسنجی روزنامه، ۴۸٪ حس می‌کنند «تا حدودی» تحت کنترل خانواده هستند، ۳۶٪ می‌گویند کنترل‌گری خانواده‌شان را اصلاً حس نمی‌کنند و فقط ۱۷٪ حس می‌کنند تحت کنترل خانواده‌شان هستند؛ در این بین دختران بیش از پسرها کنترل‌گری والدین را حس می‌کنند.

### ما خوبیم

در بخشی از نظرسنجی به عواملی پرداخته شده که سبب بهبود روابط افراد و خانواده‌هایشان می‌شود. ۴۳٪ ادعا دارند که رابطه‌شان از اول با خانواده خوب بوده و نیازی به عوامل بهبوددهنده نداشته‌اند. ۴۰٪ می‌گویند خودشان باعث بهبودی روابطشان شده‌اند. ۲۶٪ معتقدند یا بهبودی حاصل نشده و یا اصلاً به دنبال بهبود روابط با خانواده‌شان نبوده‌اند. ولی از بین سایر عواملی که ذکر شده به ترتیب دانشگاه، دوستان، جامعه و روان‌شناس در بهتر کردن روابط فرد با خانواده مؤثر بوده‌اند.

### اثر دانشگاهی

شاید تصور حاکم این باشد که ورود دانشجوی به دانشگاه، از عواملی است که به‌طور طبیعی روابط دانشجویان را با خانواده کاهش می‌دهد؛ چرا که فضای حاکم بر این محیط آموزشی کاملاً متفاوت از مدرسه است؛ هم ارتباط

کم در جریان مشکلات خانواده‌شان هستند.

### با هم هستیم

در بخشی از نظرسنجی از افراد پرسیده شده که روابطتان با خانواده در چه حد است. اغلب می‌گویند «خوب» است و بقیه «معمولی». ۲۴ نفر فقط در حد احوال‌پرسی با خانواده مرتبطند و ۳ نفر اصلاً رابطه‌ای با خانواده‌شان ندارند. دانشجویانی که خواهر و برادر دارند، غالباً به‌طور متوسط یا زیاد از احوال خواهر و برادر خود باخبرند و فقط ۱۳ نفر می‌گویند خیلی کم از حالشان خبر دارند. مسافرت، خرید و گردش به ترتیب فعالیت‌هایی هستند که افراد مایلند با همراهی خانواده انجام دهند و ۱۲٪ به انجام هیچ فعالیتی همراه با خانواده تمایل ندارند.

### مستقل‌ها

استقلال در تصمیم‌گیری به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی رضایت افراد و چالش‌های بزرگ دوران جوانی، یکی از سوالات این پرسش‌نامه بود و حدود ۸۶٪ دانشجویان در تصمیم‌گیری‌هایشان مستقل هستند و ۸۱٪ نیز مورد مشورت خانواده خود قرار می‌گیرند.

### کنترل می‌شویم

کنترل‌گری خانواده‌ها معمولاً یکی از دلایل نارضایتی

هفته گذشته نظرسنجی با عنوان «با خانواده خود چند چندید؟» در کانال روزنامه منتشر شد. هدف این نظرسنجی پایش روابط دانشجویان شریفی با خانواده‌هایشان بود. حدود ۵۰۰ نفر در این نظرسنجی شرکت کردند؛ ۵۵٪ پسر و ۴۵٪ دختر. شرکت‌کنندگان در نظرسنجی عموماً ورودی ۹۲ به بعد هستند و حدوداً نیمی از این تعداد غیرخوابگاهی و تنها ۳۵ نفرشان متأهل هستند. جالب اینکه بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان فرزند اول خانواده و فقط ۱۶ نفر تک‌فرزند هستند. حدود ۲۰ نفر از دانشجویان شرکت‌کننده در نظرسنجی پدر یا مادر یا هر دورا از دست داده‌اند. به جز ۶٪، هر دو والد بقیه دانشجویان با هم زندگی می‌کنند.

### کجا زندگی می‌کنیم؟

حدود ۵۳٪ دانشجویان با خانواده زندگی می‌کنند، ۴۴٪ در خوابگاه هستند و بقیه (فقط ۲۱ نفر) خانه دارند. بیش از نیمی از دانشجویان می‌گویند ترجیح می‌دادند با خانواده زندگی کنند و جالب اینکه حدود ۲۳٪ افراد اگر قدرت انتخاب داشتند ترجیح میدادند تنها زندگی کنند.

### دیدار

با توجه به محل زندگی افراد، حدود نیمی از دانشجویان هر روز خانواده را می‌بینند و از میان بقیه، ۲۲٪ ماهی یکبار و ۱۷٪ فقط پایان هر ترم خانواده‌شان را می‌بینند. یک نفر هم مدعی شده که هرگز خانواده‌اش را نمی‌بیند.

### پول تو جیبی

میزان پول دریافتی به‌عنوان ماهیانه بیشتر بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان بود که ۲۰۰ هزار تومان بیشترین فراوانی را در بین بقیه پاسخ‌ها داشت و تنها ۱۷ نفر به هیچ عنوان پولی از خانواده دریافت نمی‌کردند که وجود ورودی‌های چند سال اخیر در این تعداد جلب توجه می‌کرد.

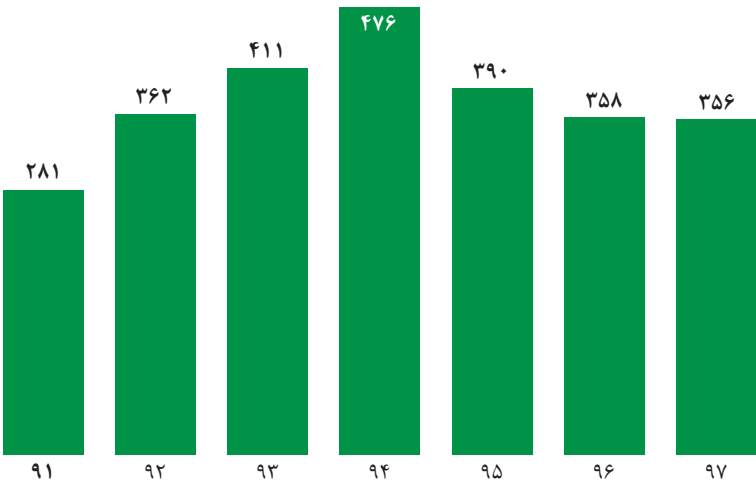
### مادرهای مهربان

در ارتباط با اعضای خانواده، مادرها رتبه اول را دارند. ۷۷٪ افراد بیش از همه با مادرشان در ارتباطند و پدرها در این زمینه رتبه دوم را دارند.

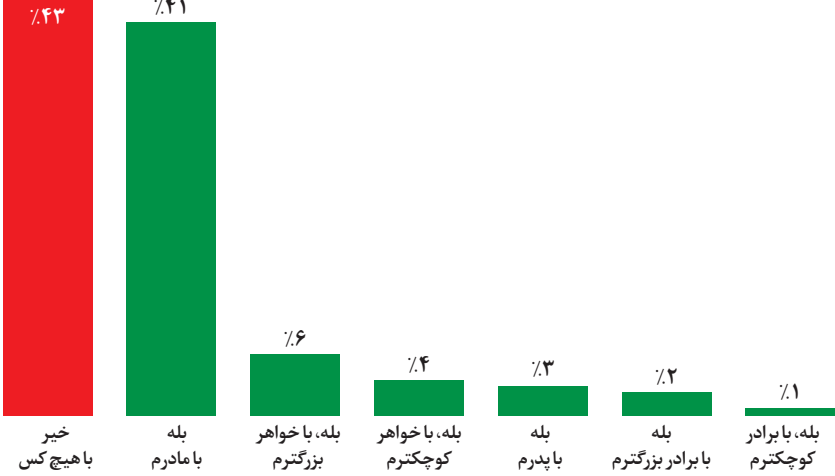
### بچه‌های حواس جمع

حدود ۴۶٪ از دانشجویان ادعا می‌کنند از مشکلات خانواده‌شان «زیاد» باخبرند و ۲۸٪ می‌گویند «خیلی زیاد» باخبرند. و فقط ۱۶ نفر کم یا خیلی

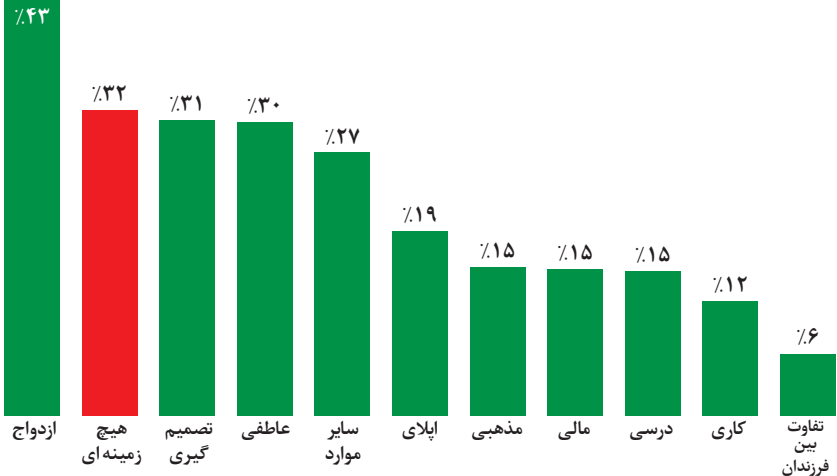
میانگین پول تو جیبی دریافتی (واحد: هزار تومان)



با چه کسی درباره مسائل عاطفی صحبت می‌کنید؟



موضوعاتی که بچه‌ها با خانواده چالش دارند



### به حقوق یکدیگر احترام بگذاریم

حق مادرت بر تو این است که بدانی او تو را چنان در درون خود نگه داشته و پرورش داده که دیگری را بدان گونه برنگیرد. و از میوه دل خود چنان به تو خوراند که هیچ کس دیگری را آن گونه غذا ندهد. اوست که تو را با گوش و چشم و دست و پای و موی و سراپای و همه اعضای خویش نگهداری کرده و این فداکاری را از روی عشق و شوق انجام داده است. هر ناگواری و دردی را برای تو تحمل کرده. خوش بوده است که تو سیر باشی و او گرسنه، تو را سیراب کند و خود تشنه بماند... جانش فدای تو است و به خاطر تو و برای تو گرم و سرد روزگار را چشیده است.\*

حق پدرت بر تو را باید بدانی. اوریسه تو است و تو شاخه او هستی. بدان اگر او نبود تو نبودی، پس هر زمانی در خود چیزی دیدی که خوشست آمد و موجب غرورت شد، بدان که از پدرت آن را داری و خدا را به خاطر این نعمت بزرگ سپاسگزار باش.\*

حق فرزندت بر تو آن است که بدانی او از تو است. در این دنیا او به تو وابسته است، خوب باشد یا بد، تو مسئول او هستی. درباره او کاری کن که در دنیا حسن اثر داشته باشد و خود را به آن آراسته کن و در نزد پروردگار ش نسبت به او به سبب سرپرستی خوبی که از او کردی معذور نباشی.\*

ترس از دست دادن آدم‌های یکی از عواملی است که سبب می‌شود ما به

کیفیت ارتباطمان با افراد پیرامون خود اهمیت دهیم و نسبت به آن حساسیت نشان دهیم.
امادر مورد روابط با اعضای خانواده به دلیل علاقه‌ای بی انتها این

ترس تقریبا کمرنگ است. به همین دلیل در این روابط خود واقعی مان

هستیم و امان از این خود واقعی که

شاید باعث شود حتی اگر حرف‌شان

درست هم باشد در مقابل آن جبهه

بگیریم. یا اگر حرف ما درست باشد،

حوصله توضیح دادن نداشته باشیم.

ناراحت کردن بقیه بیشتر از ناراحت کردن

آنها برایمان اهمیت داشته باشد و چه

بسادر صدر دفع آن هم برنیابیم. از طرف

دیگر شاید اعتقاد به مالکیت فرزند از

سوی پدر و مادر است که در روابط خدشه

وارد می‌کند. این باعث می‌شود توجه به

برخی نیازها و احساسات و عقاید فرزند

به چشم نیاید و بخواهیم هر چه را به

نظر خودمان درست است به او تحمیل

کنیم. بخواهیم تا او بدون تجربه کردن

موقعیت‌ها، هر چه‌رامی خواهیم موبه‌مو

انجام‌دهد و از مسیر پیش‌فرض ما خارج

نشود. در هر جایگاهی که هستیم بیابید

کمی بیشتر به اطراف‌مان توجه کنیم.

\*رساله حقوق امام سجاده(ع)

#### ما دیگر بزرگ شده‌ایم

«مرا هنوز بچه می‌دانند» جمله آشنایی در بین نظرات بود. باور به اینکه می‌توانیم درست و غلط را در مواردی هر چند اندک تشخیص دهیم، زیاد سخت نیست. حداقل می‌توان از خانواده‌ها انتظار داشت به نوعی تربیت را جلو می‌بردند تا در سن بیست و اندی سالگی حداقل می‌توانستیم درست و غلطمان را خودمان تشخیص دهیم! «چون از نظر اقتصادی استقلال ندارم باید به الف ت ا ی حرف‌ها و رهنمودهای خانواده گوش کنم.» در ادامه نظرات دیگری می‌آید که می‌توان کمی به آنها فکر کرد.

• «فضای گفت‌وگو وجود ندارد و نظرات من شنیده نمی‌شود. همچنین به من به چشم یک بچه نگاه می‌شود که هنوز بزرگ نشده و نمی‌تواند درست و غط را تشخیص دهد».

• «هنوز به چشم بچه به من نگاه می‌کنند».

• «دوست ندارم کمک مالی از خانواده بگیرم. ولی خانواده اصرار دارد که همه‌چوره در مسائل مالی حمایت کند! اما در مقابل آن از من انتظار هم دارد که مطابق نظرشان رفتار کنم. اینطور که کمک مالی نگیرم احساس آزادی بیشتری می‌کنم».

• «اهرم فشار مسکن و مالی دست خانواده است و معلوم نیست اگه نظر یا تصمیمی دقیقا مخالف سیاست‌های خانواده داشته باشی چی میشه؟».

• «دائم اظهار نظر می‌کنند و می‌خواهند راه مطلوبشان را بروم. همه آرزوهایشان را از من می‌خواهند. البته از

سر خیر خواهی است ایشالا».

#### لطفا درکم کنید

عمده مشکلات با خانواده‌ها عدم درک آنها از شرایط جامعه کنونی و شرایط حال حاضر مادر دانشگاه و عدم درک متقابل احساسات و تفاوت در عقیده و سنتی عمل کردن بیان شده بود. اگر خانواده‌هایمان کمی بیشتر قدم در راه شناخت دنیای جدید پیرامون ما می‌گذاشتند اوضاع بهتر می‌شد. حداقل جور دیگری نگرانی‌هایشان و مقصودشان برداشت می‌شد.

• «تفکر سنتی. عدم توجه به تغییرات جامعه و زمان و آداب و هنجارها به قول معروف همیشه این جمله رو می‌شنویم که میگن از تو توقع نداشتم، من رو تو یه جور دیگه حساب می‌کردم، بچه بزرگ نکردم که آخرش فلان شه، چشم فک و فامیلو در و همسایه رو تونه الان و...».

• «چون هیچ‌وقت سعی نکردند نظر من را هم به‌عنوان یک موجود مستقل ببینند. فقط کافی است ببینند یک جا یا آنها هم‌نظر نیستم، تا چند روز می‌روند روی مخم تا نظر من را شبیه خودشان کنند».

• «ذهن بسیار منجمد خانواده اجازه بحث کردن رو به آدم نمی‌ده. خیلی وقت‌ها دلم می‌خواست می‌تونستم باهاشون سر خیلی چیزا صحبت کنم و بدون اینکه بخوان اعتقاداشون رو به زور بهم تحمیل کنن، گوش کنن و بهم مشورت بدن ولی همیشه همون اول با بنیان مسأله‌ای که مطرح می‌کنم به مشکل می‌خورن و اصلا نمی‌تونن شرایط و عقاید من رو درک کنن و بنابراین به جای کمک کردن، فقط آسیب می‌زنن».

• «تفاوت در دیدگاه و اینکه خانواده نمی‌توانند تفکر مخالف خود را حتی تحمل نکنند خصوصا وقتی از طرف فرزندشان باشد».

#### لطفا مرا نترسانید!

تعدادی از افراد «ترس» را دلیل صحبت نکردن با خانواده‌هایشان در مورد برخی مسائل می‌دانند که جای تامل دارد. ترس از واکنش، ترس از قطع شدن پول تو جیبی، ترس از عوض شدن نظر خانواده در موردشان، ترس از ایجاد نگرانی جدید برای والدین، ترس از مسخره شدن. همه ما حق داریم بدون ترس در مورد مشکلات و احساسات خود با افرادی که بیشتر عمر مان را با آنها می‌گذرانیم و دوستانشان داریم یعنی خانواده‌مان صحبت کنیم. لطفا این حق را از ما نگیرید.

• «نمی‌توانند با کنترل هیجانات و نگرانی‌هایشان صحبت‌هایم را گوش دهند و راهنمایی کنند یا شنونده باشند. از سرزنش و قضاوت ایشان واهمه دارم».

• «توان مواقعی که صحبت کردم عکس‌العمل خوبی ندیدم».

• «سرسختانه بر خورد کردن».

• «نظرم با نظر خانواده متفاوت است برای همین اگر صحبت کنم عصبانی می‌شوند و شاید ماهیانه‌ام را قطع کنند».

• «زود نگران می‌شن و ذاتا خیلی هم نیازی نمی‌بینم حرف بزنم و ممکنه هم از تجاربشون بی‌بهره شم ولی به هر حال حوصله حالت نگرانی و سوال پیچ شدنون دارم».

• «ترس از واکنش بد».

• «نمی‌دونم شاید احساس عدم بر خورد متناسب».

• «احساسی رو می‌دونم که درکم نمی‌کنن و براشون مسخره است و تغییر رشته هم که اساسا به اون چیزی که من دوست داشتم از اول که علوم انسانی باشه براشون منطقی نیست و معتقدن من نمی‌فهمم».

• «دیدشون نسبت به من خیلی منفی می‌شه و از چشمشون می‌افتم».

#### جمع‌بندی

انگشت اشاره هیچ کس (تقریبا هیچ کس) به سمت خودش نبود و همه خانواده را مقصر می‌دانستند. توقع درک و برخورد مناسب حق ما است اما بیابیم کمی هم متفاوت نگاه کنیم. ببینیم چقدر وظایف خودمان را به‌عنوان فرزند درست انجام داده‌ایم و چقدر تلاش کرده‌ایم فاصله بین خودمان و خانواده را در زمینه‌های مد نظرمان کاهش دهیم. عدم درک متقابل و درک شرایط کنونی ما برای افرادی که در محیط ما حضور ندارند یا اصلا حضور نداشته‌اند، مسلما سخت خواهد بود. حداقل فایده صحبت کردن در مورد شرایط خودمان می‌تواند این باشد که افراد مقابل کمی هم به دنیای ما توجه و فکر کنند. اگر کمی با آنها وقت بگذرانیم و در بعضی از احساساتمان شریکشان کنیم و محیط خودمان را نشانشان دهیم شاید اوضاع کمی بهتر شود.

• به این هم فکر کنیم که آیا به خوبی تعامل و گفت‌وگو را بلد هستیم؟ اگر نظر مخالف آنچه درست می‌دانیم از آنها بشنویم بدون جبهه‌گیری می‌پذیریم؟ به دنبال کنترل پرخاش‌هایمان در ارتباط با آنها هستیم؟ قبول کنیم جز قسمت اعظم تربیت خانواده میزانی از یادگیری‌هایمان می‌تواند بیرون از خانواده شکل بگیرد و به بهبود روابط کمک کند، فقط کافی است مانند بقیه کارهایمان به این هم اهمیت دهیم.

• تفاوت نسل را نمی‌شود نادیده گرفت اما کمی به پدر و مادرها حق بدهیم، چراکه در چند دهه اخیر تفاوت نسل به اندازه چند سده نسبت به سه چهار دهه اخیر است. برخی توقع درک بعضی مسائل را از خانواده دارند که حتی حرف زدن در مورد چنین مسائلی در بین خودشان و دوستانشان نیز راحت به نظر نمی‌رسد چه برسد به افرادی که در نسلشان فکر کردن به چنین چیزهایی هم جرم بود. سهمی هر چند اندک برای اشتباه بودن نظرات و افکار خودمان هم اختصاص دهیم. پیش فرض درست بودن نظرات ما در اکثر موارد، و غلط بودن نظرات آنها راه به جایی نمی‌برد. در نهایت به نظر می‌رسد مقصر دانستن دیگری ساده‌ترین راه باشد چه از طرف ما صورت بگیرد چه از جانب خانواده‌ها.



### مرکز توسعه خودکفایی کارش چیست و در چه حوزه‌هایی فعالیت دارد؟

مرکز توسعه خودکفایی در حوزه‌های مکانیک، الکترونیک، متالوژی و پلیمر پروژه می‌گیرد. کارهایی که در این مرکز انجام می‌شود، تولید دانش فنی، عارضه‌یابی و جایگزینی اسناد است. چون حوزه ساخت وسیع و گسترده است و نیاز به ابزارآلات و تجهیزات مختلف دارد، ما فقط دانش فنی را تولید می‌کنیم. سازوکار مرکز هم به این صورت است که قطعه یا محصول مورد نظر از سوی شرکت مترو تهران به ما ابلاغ شده و نمونه داخلی یا غربی یا چینی آن هم به عنوان شاهد معرفی می‌شود. سپس بچه‌های مرکز ما فرایند مهندسی معکوس را انجام می‌دهند و با نرم‌افزارهای مختلف مانند Catia و SolidWorks نقشه فنی محصول یا قطعه طراحی و مواد به کار رفته در آن را مشخص می‌کنند.

#### متأسفانه جرأت و جسارت

#### مسئولان کم است. البته وقتی

#### به‌خاطر تحریم همه درها

#### بسته شد، کامل سراغ

#### تولید داخل آمدند

در این مرحله ما (Technical Data for Production) محصول را به همراه سه تولیدکننده‌ای که توانایی انجام پروژه را داشته باشند، به مترو معرفی می‌کنیم. مترو هم مناقصه قیمتی برگزار می‌کند و سازنده مشخص می‌شود. در مرحله بعد ما به‌عنوان مشاور ساخت از ابتدا تا انتهای انجام پروژه کنار آنها هستیم. اگر به عیبی هم برخورد کنند، همان‌جا مرتفع می‌شود، در واقع تیم ما دوشادوش سازنده است و قصد مچ‌گیری ندارد. بعد از تولید نمونه اولیه در قطار نصب شده، و تست مونتاژی گرفته می‌شود. در مرحله بعد ابتداری خط در ساعات کم باری و بعد در اوج بار تست انجام می‌شود و در صورت موفقیت مجوز تولید انبوه صادر می‌گردد. البته گواهی کیفیت را هم مرکز صادر می‌کند تا محصول مورد قبول شرکت مترو قرار بگیرد. این مربوط به فرایند مهندسی معکوس بود. بعضی مواقع قطعه ساخته‌شده عیبی دارد و در نتیجه باید طراحی مهندسی مجدد انجام شود تا عیب قطعه رفع گردد. یک کار دیگر مرکز هم مربوط به اسناد جایگزینی است که منظور از آن جایگزین کردن یک قطعه با قطعه دیگر است.

### ترکیب تیم‌تان چطور است؟ چه افرادی در آن حضور دارند؟

کار ما با ۱۰، ۱۱ نفر شروع شد و الان ۱۵، ۱۶ نفر شده‌ایم. البته برخی افراد هم آمدند و رفتند. چون پروژه‌هایی که روی آنها کار می‌کنیم، صنعتی‌اند و از اهمیت بالایی برخوردارند، افراد باتجربه در تیم حضور دارند و دانشجویا کارآموز نداریم. افراد فعال در مرکز ما، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مطرح و شناخته‌شده کشور هستند که تعدادی در دفتر دانشگاه و تعدادی در دفتر متروی تهران در ایستگاه صادقیه مشغول به کار هستند.

#### در کارتان با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

در تولید علم مشکل نداریم. مشکل اصلی در قسمت ساخت است. مشکل بیشتر در قوانین دست‌وپاگیر

### قصه‌ای شنیدنی از مرکز توسعه خودکفایی شریف

# پای کار کشور ایستاده‌ایم

اینکه در هر اتاق مجتمع خدمات فناوری چه می‌گذرد ذهن هر آدم کنجکاوی را قلقلک می‌دهد. اسم‌ها هم که بز نیم به تخته پرمطراق اند، اما از یک اسم نتوانستیم بگذریم؛ «مرکز توسعه خودکفایی شریف» به مدیریت دکتر مختاری عضو هیأت علمی دانشکده برق و مدیر ارتباط با صنعت دانشگاه که از سال ۹۰-۹۱ رسماً به‌عنوان مشاور مترو تهران انتخاب شد. برای آشنایی بیشتر با این مرکز با آقای نظری مدیر دفتر ایشان مصاحبه داشتیم.

#### گفت‌وگو

رویا احمدیان



متالورگرافیک انجام دادیم و با مواد مناسب آن را بازطراحی کردیم. سپس تولید هم انجام شد و الان با موفقیت دارد به کار می‌رود. شرکت‌های خارجی با این حرف‌هایشان می‌خواهند دل ما را خالی کنند تا پروژه‌ها را خودشان بگیرند و شرکت‌شان را حفظ کنند. حتی اگر فقط دانش فنی را در داخل تولید کنیم ولی

نتوانیم آن را بسازیم و سراغ خرید خارجی برویم، همین که شرکت خارجی می‌فهمد ما دانش فنی تولیدش را داریم، قیمت را چند برابر کاهش می‌دهد تا تولید در داخل برای ما صرفه اقتصادی نداشته باشد. در مذاکره می‌توان به طرف مقابل گفت که یا قیمت را کاهش بده یا خودمان تولید می‌کنیم. شاید هم نتوانیم تولید کنیم اما با داشتن دانش فنی می‌توانیم سر قیمت چانه بز نیم.

#### چشم‌اندازتان برای آینده چیست؟

امیدواریم مرکز توسعه خودکفایی تبدیل به قطب مشاوره مترویی کشور بشود. در حال قرارداد با مترو مشهد و شیراز هستیم. بقیه متروها جوان هستند و هنوز به مشکل برخورد کرده‌اند. با این روندی که داریم طی می‌کنیم، حتما قطب خواهیم شد.

### آرزوی‌تان در مسیری که در آن حرکت می‌کنید چیست؟

واقعاً آرزوی‌مان این است که قطار را داخل کشور بسازیم. قرار بود دو هزار واگن در شرکت ره‌نورد سازمان گسترش داخلی سازی شود که مشاوره حدود ۶۴۰ واگن که برای مترو تهران بود، به مرکز ما سپرده شد. ان‌شاءالله یک روز قطارهای سریع‌السير داخل کشور ساخته شود که مرکز ما مشاور آنجا باشد؛ قطارهایی که سیستم ریلی‌شان بر مبنای ابرسانا کار می‌کند و با سرعت بالای ۳۶۰ کیلومتر در ساعت حرکت می‌کنند. آرزویم این است که بتوانیم از تحریم‌ها به‌عنوان فرصت استفاده کنیم. امیدواریم مثل الان که مسئولان مجبورند سراغ تولید داخل بیایند، در آینده هم همین‌طور بماند.

در نهایت باید بگویم آقای دکتر مختاری برای ارتباط با صنعت دانشگاه و مرکز خیلی زحمت کشیدند و از وقت خود و خانواده‌شان زدند. امثال دکتر اگر وجود نداشتند، چرخ صنعت کشور می‌خوابید. ان‌شاءالله هر جا هستند سلامت باشند.

گواهی کیفیت گرفتند. ما به‌خاطر چشم‌آبی و روی سفیدشان جلوی‌شان کوتاه نیامدیم ولی آنها مجبور شدند جلوی ما زانو بزنند تا مجوز بگیرند. علم است که قدرت می‌آورد. از نیروگاه یزد هم برای تعمیرات نیروگاهی سراغ دانشگاه آمدند و بعد از تأیید مرکز کارشان را انجام دادند.

### از نظر مالی چقدر ارزش افزوده تولید کرده‌اید؟

حجم ریالی پروژه قرارداد ما با مترو ۲/۵ میلیارد تومان بود و تا آخر سال ۹۷ بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان صرفه‌جویی کرده‌ایم. قطعه‌ای را با قیمتی در حدود ۲/۵ درصد قیمت نمونه خارجی تولید کردیم. برای اینکه بهتر متوجه بشوید مثالی می‌آورم: یک جفت لنت برای سمند ۱۵۰ هزار تومان قیمت دارد. الان برای مترو هر جفت حدود ۷۰ هزار تومان تمام می‌شود. وقتی دلار ۳ هزار تومان بود، لنت انگلیسی حدود چهارصد هزار تومان بود، الان که دلار چهار برابر شده، دیگر خودتان حساب کنید.

#### حتی اگر فقط دانش فنی را

#### در داخل تولید کنیم ولی نتوانیم

#### آن را بسازیم و سراغ خرید خارجی

#### برویم، همین که شرکت خارجی

#### می‌فهمد ما دانش فنی تولیدش را

#### داریم، قیمت را چند برابر کاهش

#### می‌دهد تا تولید در داخل برای ما

#### صرفه اقتصادی نداشته باشد

در جلسه‌ای یک شرکت فرانسوی گفت شما هیچ‌وقت نمی‌توانید کفشک جریان بسازید، هم به ما برخورد و هم از طرف دیگر سوال به وجود آمد که تکنولوژی‌اش چیست که این شرکت چنین ادعایی دارد. ظاهرش شبیه گوشت کوب است و ۳ کیلو وزن دارد. آنالیز

## تنفس در بهترین هوا با کمترین اعتماد به نفس

آیا چک همان چکسلاواکی است؟  
این اولین سوالی است که همه از شما می‌پرسند و جوابش هم خیلی ساده است: نه. از اول ژانویه ۱۹۹۳ این دو تا کشور از هم جدا شدند البته مثل دو تا برادر. پذیرش گرفتن برای دانشگاه‌های چک در رشته‌های هنری و فنی زیاد کار سختی نیست که با توجه به رنکینگ نه چندان چشم‌نوازشان منطقی به نظر می‌آید و موفقیت با کمی پیگیری دور از ذهن نخواهد بود. شهریه تحصیل در مقاطع دکتری و فوق لیسانس تقریباً رایگان است یا با مبلغ بورسیه دریافتی سر به سر خواهد شد. اما مصیبت دقیقاً از لحظه دریافت پذیرش شروع می‌شود. مدرک شما را وزارت علوم چک باید تایید کند حتی اگر از هاروارد یا ام‌آی‌تی دریافت شده باشد. این پروسه چیزی بین ۳ هفته تا ۶ ماه زمان می‌برد. فرایند ویزا هم که مثنوی هفتادمن است؛ کلیه مدارک باید به زبان چکی ترجمه شود. در ایران مترجم رسمی چک وجود ندارد و صفحه‌ای ۱۹ یورو پول ترجمه مدارک از انگلیسی به چکی است که باید به دست مترجم رسمی چک در یکی از کشورهای اروپایی برسد. اگر کسی راندارد که این فرایند را برایتان انجام بدهد کلابی خیال پذیرش‌تان شوید، برادرانه می‌گویم. تازه این قسمتی از ماجرا بود. از قرار یک‌ساله محل اقامت و خرید بیمه یک‌ساله پیش از سفر و عدم امکان همراهی همسر نمی‌شود غافل شد. پیشنهاد برادرانه دوم من به همه متاهل‌ها: بی خیال چک نشوید به دلایل متنوع.

سال‌ها تحت سلطه کمونیسم بودن از مردم چک روایت‌های فرمان‌برداری ساخته که کوچک‌ترین انعطافی از خود نشان نمی‌دهند؛ با اعتماد به نفسی نزدیک به صفر مطلق. در مدرسه به بچه‌های این سرزمین آموخته‌اند تا به کاری ۱۰۰٪ مطمئن نیستی آن را انجام‌دهی و این آموزه بیماری تمام مردم چک است. غالباً انگلیسی می‌فهمند و از ترس درصدی اشتباه، از حرف‌زدن به زبان انگلیسی پرهیز می‌کنند. در ابتدا هر جمله‌یک‌بار بابت ندانستن یا کم‌دانستن عذرخواهی می‌کنند. آن‌قدر درگیر چارچوب‌ها هستند که ذره‌ای انعطاف را بر نمی‌تابند و عادت کرده‌اند دیگران برای آنها تصمیم بگیرند. جمله تکراری با مضمون خدا را شکر مادر اتحادیه اروپا قرار داریم تا بر رفتارهای احمقانه حاکمان مان نظارت درستی باشد، از دهان روشنفکران این سرزمین نمی‌افتد، چک زیباست، ولی زیبایی محتاط.

روی خط  
خارج

## طہ فلاتوری

# چرا سرمایه‌گذاران مخالف سیاست‌های علوم باز هستند؟

## دانش شایسته، دسترسی آزاد است

مطلبی که در روزنامه دلتا با عنوان محدود شدن دانشجویان دکترا از سوی دسترسی آزاد خواندم، مرا به نگارش این نوشته ترغیب کرد. رشته‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای من در زمینه علوم انام مسائل علمی را مطرح و بررسی کرده و از جامعه سودمند باشم. با این حال از اینکه مع بسیاری در این راه وجود دارد دلسرد شده‌ام. چگونگی رخداد روش‌های پژوهشی مطالعه بینیم گروه‌هایی پژوهشی در دنیا وجود دارند کاری خود بسیار پنهان کارانه عمل می‌کنند اولین نفری باشند که نتایج پژوهش‌های خود معتبر منتشر می‌کنند. در نتیجه گروه‌های مختلفی که روی یک موضوع مشابه در حال پاید هم با یکدیگر و هم با زمان رقابت کنند. رقابت برندگانی هستند که اثر پژوهشی خود را می‌کنند. بقیه رقابت را واگذار کرده و دیگر قادر خود را در همان ژورنال چاپ کنند. همچنین، نی شدید سبب می‌شود پژوهشگران به‌ناچار درآبدون اعتبارسنجی و مستندسازی مناسب د که به بحران تولیدات تکراری علمی منجر چرا پاید چنین چیزی رخ دهد؟

## گزارش

ترجمہ:  
سین رجبی

## آشفتگی

در محیط‌های فعلی دانشگاهی انتشار مقاله در ژورنال‌های معتبر علمی تأثیر زیادی بر تأمین سرمایه پژوهشی و معیارهای ارتقای رتبه دارند. این مسأله پژوهشگران را مجبور به حضور در این رقابت می‌کند. با نگاه دقیق‌تر به سیستم انتشار مقالات دانشگاهی درمی‌یابیم پژوهشگران ابتدا باید پولی پرداخت کنند تا نتایج پژوهش خود را در یک ژورنال منتشر کنند. سپس مجدداً برای خرید همان ژورنال مبلغی را بپردازند. مهم‌تر اینکه به‌طور رایگان مقالات مرتبط با خود را از نظر علمی بررسی کنند. بدین ترتیب گول‌های انتشاراتی جیب‌های خود را از حاشیه سود ۳۷ درصدی این خرچ‌ه‌ها نباشته می‌کنند. این رقم از حاشیه سود اپل و شرکت‌های بزرگ نفتی هم بیشتر است. در نتیجه بسیاری از مقالات پشت دیوار پرداخت‌های مالی پنهان خواهند ماند. انتهای این مسیر آن است که ماحصل کار طاقت‌فرسای یک پژوهشگر به یک فایل PDF منتهی شود که داده‌های زمینه آن برای استفاده مجدد، نشان داده نمی‌شود؛ آن هم در دنیای امروز که بسیار مبتنی بر داده است.

به این دلیل است که وقتی در برابر الزامات سرمایه‌گذاران درباره علوم باز (Open Science) مخالفت می‌شود دچار آشفتگی می‌شوم. معتقدم این اتفاقی است که می‌افتد

## مرغ همسایه

## وقف مونیخی

دستاوردهای برتر از جمله روش‌هایی است که اعطاکندگانی می‌توانند کمک‌های خود را مستقیماً در اختیار دانشجویان قرار دهند. برخی از شرکت‌های بزرگ آلمانی در برنامه ملی کمک‌هزینه تحصیلی مشارکت دارند. برای مثال شرکت اتوبوس‌سازی و کامیون‌سازی MAN کمک‌های مالی خود را به این برنامه به‌صورت مداوم اعطا می‌کند.

همچنین «بنیاد دانشگاه صنعتی مونیخ» در مناسبت‌های ویژه‌ای که برگزار می‌کند اقدام به جذب سرمایه‌های جدید و افزایش دارایی‌های بنیاد می‌کند. به این ترتیب این سرمایه‌ها نه تنها دانشجویان فعلی دانشگاه را منتفع می‌کند، بلکه سرمایه‌ای برای نسل‌های بعدی دانشگاه نیز فراهم می‌آورد.

امکان دیگری که در دانشگاه فراهم است تأسیس بنیاد به نام فرد اعطاکننده است که هم در حین حیات و هم پس از فوت او بتواند با دانشگاه همکاری کند. البته که زمینه

مقالات را با دسترسی آزاد منتشر کرد، به خصوص برای پژوهشگران در دانشگاه دلفت. کتابخانه دانشگاه موافقت‌نامه دسترسی آزاد را بدون هزینه یا با تخفیف برای نویسندگان یا چندین مقاله مهم قرار داده است. همچنین کتابخانه دانشگاه صندوق دسترسی آزاد با جبران هزینه تا ۲۰۰۰ یورو برای هر مقاله را راه اندازی کرده است. علاوه بر این قانون کیپی رایت هلند که به‌صورت آزمایشی در حال اجراست بیان می‌دارد که نسخه‌های ناشر از کارهای کوتاه علمی (مانند مقالات کوتاه علمی یا فصلی از یک کتاب علمی) می‌تواند بعد از ۶ ماه از جانب کتابخانه دانشگاه در دسترس عموم قرار بگیرد. بدین ترتیب بسیاری از مقالات که بازنگری شده‌اند، از میان مقالات دانشگاه دلفت می‌توانند مشمول دسترسی آزاد قرار بگیرند.

در نهایت اینکه در وضعیت کنونی که از پژوهشگران انتظار می‌رود مقالات و داده‌های خود را با دسترسی آزاد منتشر کنند دیگر امکان‌پذیر نیست که پژوهشگران را تنها بر اساس تعداد انتشارات در مجلات معتبر علمی با تأثیر بالا ارزیابی کرد. خوشبختانه تعدادی از مراکز ارزیابی علمی کشور روش‌های جدیدی را برای تشخیص آثار برتر علمی و تقدیر از آنها در پیش گرفته‌اند.

<https://www.delta.tudelft.nl/article/knowledge-deserves-be-shared-and-openness-key>



همکاری با دانشگاه را خود فرد مشخص می‌کند. برای مثال بنیاد BayWa که در حوزه تغذیه سالم و انرژی‌های تجدیدپذیر فعالیت می‌کند از این قسم است. همچنین افراد می‌توانند بدون تأسیس بنیاد، در یکی از بنیادهایی که تحت نظر دانشگاه ایجاد شده مشارکت داشته باشند. مشارکت کنندگان مشمول تخفیف در مالیات نیز می‌شوند.

## پراید کیلویی چند؟

وصله پینه



حسین شاهروزی

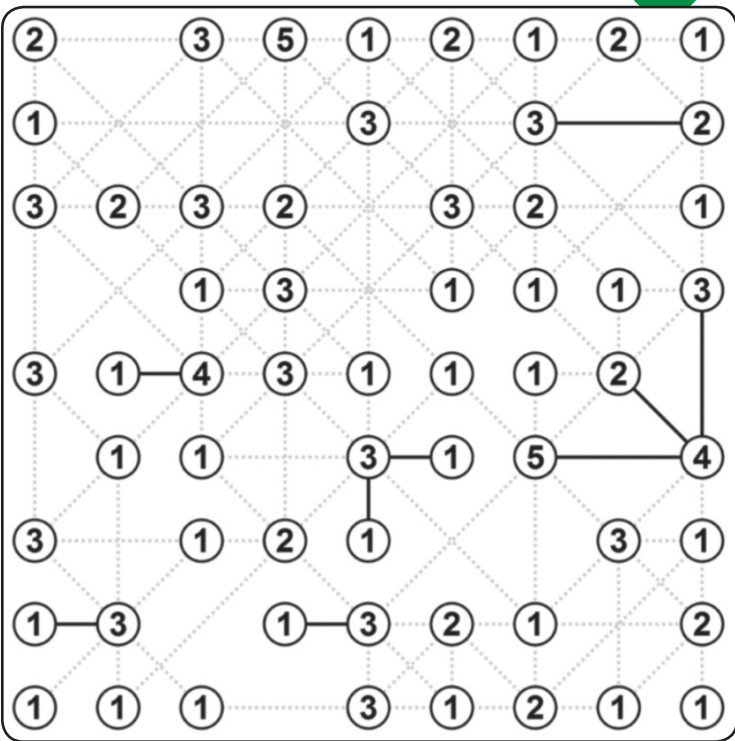
یکی از مزایای اصلی زندگی در ایران بحث ثبات است. ثبات در قیمت کالا، ثبات شغلی، ثبات در ازدواج و هزاران ثبات نقدی و غیر نقدی دیگر. بازار خودرو در چند ماه گذشته برگ زرین دیگری بر کارنامه مشعشع خود افزود. رقابت سنگینی میان دو خودروساز بزرگ کشور در افزایش رضایت مشتری وجود دارد. بنابر اعلام رسمی وزارت صمت، ایران خودرو و سایپا تعهد معوق ۳۰۰ هزار خودرو را در کارنامه دارند و با اعتماد به نفس اقدام به فروش فوری می کنند! سال گذشته در پی خروج ظالمانه آمریکای جهان خوار از برجام و با تدبیر شگرف دولت امید و بر و بچ، ما شاهد وقوع سونامی در بازار خودرو بودیم. از آنجا که اقتصاد ما اقتصادی کاملاً غیر نفتی است و بحمدالله از دوره دوم زمین شناسی تا همین امروز محض رضای خدا یک قدم از مونتاز جلوتر نیامده ایم، شرایط جدید هیچ مشکلی به وجود نیاورد. پراید بزرگوار که تا دیروز کسی به آن محل گریه هم نمی گذاشت حکم سیمرغ پیدا کرد و قیمتش سر به فلک کشید. بامزه تر آنکه کسانی که ساندرو ثبت نام کرده بودند دعوت شدند و مدیران محترم سایپا با کمال افتخار اعلام کردند: عزیزانی که ساندرو می خواستند، الان نداریم یا پولتون رو پس بگیرین یا یه پراید جاش بگیرین! حالا شما هی سیاه نمایی کنید و بگید مشتری مداری نیست. چرا اینقدر توقعات بالا است آخه؟! ایران خودرو برای آنکه از رقیب عقب نیفتد، افتاد به جان آپشن های سنگینی که روی خودروهایش بسته بود. دنا گل سرسبد این مجموعه اولین محصول بود. از سقف شروع کردند و سانروف را حذف نمودند. خدایی هم حساب کنی سقف سوراخ خیلی چیز بدی است، چون خدای نکرده زبان لال ممکن است کسی سرش را از سقف بیرون کند و این خودش شروع مشکلات اخلاقی جدی است. بعد از سانروف رفتند سراغ حذف ایربگ، حق هم داشتند مثل آدم رانندگی کنیم تصادف هم نمی کنیم و ایربگ هم لازم نیست. حکایت خودروسازی ما یادآور مثل معروف همه چیزمان به همه جایمان می آید است. خداوند بر طول عمر استاد شریفی مان بیفزاید که سر کلاس «طراحی اجزا» مربعی را بر تخته می کشیدند و زیر آن دودایره ترسیم می کردند و سپس می گفتند: خودروسازهای ما اگر از این شروع کرده بودند امروز باید مرسدس بنز می ساختیم!

## تقدیم می شود به ...

این شماره از روزنامه تقدیم می شود به یکی از معدود شماره هایی که تقریباً همه حفظ اند؛ شماره پدر و مادر. به غصه ها و نگرانی های بی پایان شان که گاه فرو می خورند و گاه بدرقه راهمان می کنند. تقدیم می شود به تمام حمایت ها یا کوتاه آمدن هایشان، چه آنها که به موقع هستند و چه آنها که دیگر کار از کار گذشته باشد.

تقدیم می شود به همه دخالت های دلسوزانه شان که ما درک نمی کنیم و به تمام جسارت ها و سرکشی های استقلال طلبانه مان که درک نمی کنند. این شماره از روزنامه تقدیم می شود به پدر و مادری که هر چقدر هم بزرگ شویم برای آنها بچه ایم.

## پیچک (۷)



این آخرین پیچک این نیمسال است. رفتیم تا بعد از تابستان. در این مدت میثم جوکار، سمانه گودرزی و محمد حسین افشار بیشترین جواب را برایمان فرستادند. این وسط میثم جوکار با یکی از دوستان گمنامش (چون اسمش را به ما نگفت!) یک نمونه پیچک خودشان طراحی کردند که چون سخت بود و کمی کار گرافیکی نیاز داشت، فعلاً آن را منتشر نکردیم. دم همه شما گرم، امیدواریم که از عید به این ور کلاس های خود را با پیچک به خوبی گذرانده باشید!

- کوشا معاونی نژاد یکی از فارغ التحصیلان قدیمی شریف است که بیشتر برای تفریح پازل طراحی می کند. ما اسم آن را «پیچک» گذاشتیم. چرا؟ چون شاخه شاخه است و همه جای آن به هم وصل است.
- قوانین این بازی ساده است. شما باید همه جزیره (دایره) ها را با استفاده از پل (خط) هایی که بین آنها رسم می کنید، به هم متصل نمایید. البته پل ها باید شرایط زیر را داشته باشند:
- پل ها نباید یکدیگر را قطع کنند.
- پل ها می توانند عمودی، افقی و یا ۴۵ درجه باشند.
- حداکثر یک پل می تواند دو جزیره را به هم متصل کند.
- تعداد پل هایی که به هر جزیره وصل می شود باید با شماره آن جزیره برابر باشد.
- اتصال جزیره ها از طریق پل ها باید یک گراف همبند تشکیل دهد.
- چند پل در شکل اولیه داده شده اند. شما باید بقیه پل ها را پیدا کنید.



نیش اشتر نه از ره کین است / نوش داروی زخم دیرین است

## نیش شتر (شترنیوز)

## شریف در سال ۲۰۴۰ میلادی! (همان ۱۴۲۰ خورشیدی)

پردیس، مجدداً به آب انداخته شد. به دنبال این خبر، پردیس بین الملل قشم دانشگاه شیراز ابراز امیدواری کرد اگر باد موافق بوزد، بتواند ظرف چند روز آینده او را در یکی از سواحل این جزیره از آب بگیرد.

## ۳ خرداد ۱۴۲۰

یکصد و هشتاد و سومین منظره سیاسی اقتصادی دانشگاه امروز در سالن بریتنی اسپیرز (جابر بن حیان سابق) برگزار شد و با استقبال زیادی مواجه شد. در این منظره میرزا حسینقلی خان صلاح طلب با حاج محمدحسن خان اصل طلب به مناظره نشستند و خیلی تند و تیز به هم تاختند که با واکنش حضار و خشونت همراه شد. میرزا حسینقلی گفت: به نظرم اینکه تورم ۱ میلیون درصد است و ۷۰ درصد مردم برای کار به افغانستان مهاجرت کرده اند ربطی به دولت ندارد و ما باید ببینیم

## ۱ خرداد ۱۴۲۰

تنها دانشجوی خارجی پردیس بین الملل کیش شریف طی چهل سال گذشته، امروز به دلیل سردرد و سرگیجه شدید ناگزیر به ترک تحصیل شد. این دانشجو که سال پیش، در پی جنگ های داخلی سودان جنوبی از طریق دریا و روی یک تخته الوار شناور و سرگردان به جزیره کیش رسیده بود با کمک رئیس پردیس کیش، از آب بیرون کشیده شده و بلافاصله در رشته ارشد فناوری های پیشرفته نانوتکنولوژی پذیرفته شده بود تا این پردیس بتواند با عنوان «بین الملل» به کارش ادامه دهد. او یک سال در همه کلاس ها و آزمون ها شرکت کرد و چون فارسی بلد نبود، پس از مدتی دچار سرگیجه شد و تصمیم به ترک تحصیل گرفت. وی دیروز طی مراسم ویژه ای با حضور مسئولین پردیس و به دست رئیس این



شیخ بزول

## شماره پیامک روزنامه: ۰۹۱۹۶۶۰۰۶۱۰۰۰

روزنامه سردیبرها میان و می رن. بهشون دل نیند چون موندنی نیستن این مسئول پیامک هان که می مونن.

۰۹۱۹۶۶۰۰۰۹۲۴: سلام، چی پوشیدی؟

روزنامه سلام. چنین پیامی فرستادی نشون می ده که واقعا یه جای کار رو اشتباه رفتیم!

دادنشون از این چیزا نمی نویسن! یهو می رن و شروع می کنن به کوتاه کردن موها، ناخن ها و رابطه ها...  
۰۹۲۰۰۰۰۰۰۸۲۷: میشه همزمان با تغییر سردبیر، یکی دیگه به جای شما جواب پیامکا رو بده؟ من حوصله ام از شما سررفته

## پیامک

۰۹۲۲۰۰۰۰۰۰۸۲: سلام. خسته نباشید.

بسی اندوه و تألم که حقیر به علت ازدیاد مسئولیت ها و اوامر، از پذیرش تکلیف خطیر «برنامه های پیشنهادی» که از اهم وظایف و اشد شداید می باشد، معذورم.

روزنامه سلام! بابا بچه های ما واسه استعفا